

### متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیزم: استاد جان! بنده وقتی اوصاف و بیانات برخی از شهداء دفاع مقدس را که در سن پایین می شنوم یا آیت الله بهجت «ره» یا امام خمینی «ره» که نقل شده در سن پانزده سالگی نماز شب می خواندند!! این سؤال اساسی و مهم برایم پیش می آید، که حقیقتاً این بزرگوارانی که در سن پایین حرف های عارفانه می زدند یا اعمال عارفانه انجام می دادند! پس کی مبارزه با نفس کردند؟ پس کی این قوه خیال را کنترل می کردند؟ حقیقت چیست؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوع سالکِ مجذوب با مجذوبِ سالک فرق می کند. یکی حرکت می کند تا نور الهی او را در برگیرد و یکی نور الهی او را در بر می گیرد و سعی می کند آن نور را حفظ کند. افرادی که نام برده اید از نوع دوم اند. مرحوم عبدالرزاق کاشانی در مقدمه‌ی شرح «منازل السائرین» می گوید: عرفا به طور کلی متفق اند که نهایت تصحیح نمی شود مگر با تصحیح بدایات و تصحیح بدایات عبارت است از ۱- امتثال امر الهی ۲- مشاهده اخلاص و این که انسان در خود ببیند برای خدا خواسته ۳- رعایت سنت ۴- تعظیم نهی در عین مشاهده خوف از عقاب الهی ۵- شفقت بر عالم با بذل خیرخواهی و این که بار خود را بر روی دوش مردم نیندازد ۶- دوری از همنشینی که وقت را تباه می کند ۷- دوری از هر سببی که دل را مفتون و شیفته می نماید.

می فرماید: مردم در این بیان و شأن سه دسته اند: آن که بین خوف و رجاء عمل می کند، با توجه به محبت و همراه با حياء، که چنین کسی را «مرید» گویند. [۱] و آن که از وادی تفرقه و پراکندگی به وادی جمع رבוده شده که او را «مراد» نامند [۲] و غیر از این دو هرکه هست مدعی و نیرنگ باز است.

می توان گفت: همه‌ی مقامات در سه مرتبه جمع می شوند. رتبه‌ی نخست که مساوی است با آغاز کار سالک در سیر سلوک. رتبه‌ی دوم با داخل شدن سالک در غربت شروع می شود و رتبه‌ی سوم دست یابی سالک به مشاهد‌های است که او را به سوی عین توحید در طریق فنا می کشاند و جذب می کند.

در معنای رتبه‌ی نخست که آغاز کردن کار سالک در سیر و سلوک بود، در روایت از رسول خدا (ص) داریم: «سیرُوا سَبَقَ الْمُفْرِدُونَ» سیر کنید که مُفْرِدُونَ پیشی گرفتند. مردم سؤال کردند ای رسول خدا مفردون چه کسانی هستند؟ فرمودند: «المهتزون، الذین یهتزون فی ذکر الله عزّ و جلّ، یضع الذکر عنهم

أُنْقَالَهُمْ فَيَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَفَافًا» متحیرون آن‌هایی که در یاد خدا سرگشته‌اند و یاد خدا بارهای گران را از ایشان برمی‌دارد، از این روی در قیامت سبک بال خواهند آمد. (ترمذی، کتاب الدعویات، باب ۱۲۹)

در رابطه با مرتبه‌ی دوم که واردشدن در غربت است از رسول خدا (ص) داریم «طَلَبُ الْحَقِّ غُرْبَةٌ» [۳] طلب‌کردن و خواستن حق، غربت است. و در رابطه با مرتبه‌ی سوم که دست‌یابی به مشاهده است در روایت داریم که جبرائیل از رسول خدا (ص) پرسید: «مَا الْإِحْسَانُ؟» احسان چیست؟ حضرت فرمودند: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» [۴] احسان آن است که خدا را به گونه‌ای عبادت کنی که گویا او را می‌بینی و اگر او را نمی‌بینی پس بدان او تو را می‌بیند. که این حدیث اشاره جامعی است به مذهب عرفا و متصوفه.

خواجه عبدالله انصاری می‌فرماید: من درجات هر مقام را به تفصیل برایت باز می‌گویم تا درجه‌ی عامه و سالک و محقق را در هر مقام بشناسی زیرا برای هر یک نشانی است که به سوی آن برانگیخته می‌شود. موفق باشید

---

[۱] - مرید همان سالک مجذوب است که جز خدا را اراده نکرده و مراد همان مجذوب سالک است که خداوند او را اراده و جذب کرده.

[۲] - حافظ در رابطه با عبور از تفرقه می‌گوید: «از فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع» که عبور از خلق به حق است و به حق اشتغال یافتن.

[۳] - تاریخ دمشق، ج ۵۱، ص ۸۳۲- کنز العمال، ج ۱، ص ۲۳۹

[۴] - صحیح مسلم، کتاب‌الایمان، ج ۱، ص ۳۷.